

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ می ۲۰۲۱

اگر "طالب" نیست، پس کیست؟؟

جمعه - ۲۴ ثور ۱۴۰۰ - کابل: از جمله مهمترین خبر های امروز انفجار یک بمب در محراب مسجد "حاجی بخشی" در ساحه "قلعه مرادیگ" ولسوالی "شکرده" ولایت کابل به ساعت یک و سی دقیقه بعد از ظهر حین ادای نماز جمعه بود، که در اثر آن ۱۲ تن به شمول ملا امام مسجد "مفتی نعمان" کشته و بیش از ۱۵ تن دیگر بشدت زخمی شده اند. با در نظر داشت جنایات مشابهی که تا کنون از طالب در زمینه سر زده است، و با در نظر داشت این که طالب علناً مساجد و مکاتب، حسینیه ها و مدارس، ادارات دولتی و اماکن عمومی را از جمله مناطقی اعلام نداشتند است که برای آنها مصونیت قایل شده باشد، خیلی ساده حتماً بدون تحقیق می شود گفت "کار طالب است" و انگشت اتهام همه به طرف طالب نشانه گیری شده، دولت دست نشانده نیز با سوءاستفاده از فضای به وجود آمده می کوشد، تا با انداختن مسئولیت جنایات به گردن طالب، از یک جانب حریف خود را در انظار توده های میلیونی کشور و خلقهای جهان آن طوری که خود می خواهد معرفی دارد و از طرف دیگر قضایا را ساده ساخته، ضمن کتمان نقش احتمالی خودش، به نحوی اذهان را نیز قناعت ببخشد که گویا دولت و وظیفه اش را انجام داده و مجرم را معرفی داشته است.

در یادداشت امروز می بینیم که هرگاه به اساس "فرض محال که محال نیست"، طالب در گفتارش صادق باشد و واقعاً این جنایات را مرتکب نشده باشد، باید فهمید که جنایتکار و قاتل کیست که بی پروا آدم می کشد و مسئولیت جنایاتش را به گردن "بیچاره طالب" می اندازد؟

*- تأکید و نقطه دخول و حرکت ما در این بحث اصل "فرض محال، محال نیست" می باشد که بر مبنای آن می پذیریم طالب صادق است و دروغ نمی گوید و عامل اجرای این جنایات نیست.

*- هرگاه طالب بر مبنای همان فرض محال، از دیره مظنونان خارج شود، نخستین مظنون بعد از طالب، دولت دست نشانده و همکارانش از سنخ "مهمانان جناب رئیس"، یعنی "داعشی" هائیکست که اکنون از مهمان نوازی های ریاست امنیت ضدملی مستفید شده در کمال امنیت به کشتار مردم افغانستان ادامه می دهند.

*- از این دو مظنون اولی که بگذریم، احتمال این که بخش هایی از طالب واقعاً از آن جدا شده باشد و یا هم به دستور طالب در نقش مخالف طالب، وارد میدان ساخته شده باشند، نیز منتفی نیست. مثلاً در قضیه کنونی "مسجد حاجی بخشی" برادران و شرکای جنایات "انوردنگر" را که به اساس اطلاعات رسیده از منطقه در این اواخر از سمت های گوناوگی سلاح دریافت داشته و خوب مسلح شده اند و گذشته از این که با مردم قریه "حاجی بخشی" مناسبات خوبی

نداشته و ندارند، با جمعیتی ها و طالب نیز بعد از قطع ارتباط شان با جمعیت و کشته شدن "انور دنگر" در پاکستان و گویا عدم حمایت طالب از وی در آنجا، خصومت ها و شکر رنجی هائی دارند که می توانند در طیف مظنونان قرار بگیرند. یعنی بخشی از بریده های طالب.

*- نهادهائی که تقریباً هیچ کس متوجه آنها نیست و تمام ظرفیت تروریستی آنها در محاسبات از قلم می افتد، باند "گلبدین" و تکه پارچه های باند "جمعیت اسلامی" است. آنها هر دو نه تنها ظرفیت بالقوه انجام چنین جنایاتی را دارند، بلکه تاریخ و تجربه نشان داده است که از لحاظ روانی و وجدانی نیز آمادگی صد در صد دارند تا دست به انجام چنین کشتار هائی بزنند.

هموطنان گرامی!

همان طوری که بارها نگاشته ام دولت دست نشانده و شرکاء و رقبای مسلح آن، دروغگو تر، عهد شکن تر و جنایتکار از آنند که به حرف شان باور کرد. آنها چه مسؤولیت بگیرند و چه هم نگیرند، در فضائی که به وجود آورده اند همه مسؤول اند و می باید زمانی پاسخگوی اعمال و جنایاتی که در حق مردم روا می دارند، گردند.

هموطنان گرامی!

جنایات اخیر در روز های اول و دوم عید در قندهار، قندوز و شکردره نشان داد، که اسلام سیاسی، تروریسم و تروریست ها تنها با هزاره، شیعه و یا فرزندان معارف دشمنی ندارند، بلکه آنها با مجموع مردم افغانستان اعم از سنی، شیعه، پشتون و هزاره، اهل معارف و نماز گزار با قاطبه مردم افغانستان دشمنی و خصومت خونین دارند و تلاش می ورزند تا با کشتن انسانهای این میهن، اهداف بادران شان را محقق بسازند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!